

ادامه از صفحه اول

حال نیکو

آنچه برای ما رقم می‌خورد بهترین حال ما باشد. جالب است که اینجا نیز حرف از «حال» است، نه «جول»! به توضیحی که عرض شد در این دعا خدا را می‌خوانیم تا ما را در موقعیت اجتماعی نیکویی قرار دهد. صاحب احسن حال، چنان شمعی است که خلائق از نور وجودش و برکات دانش بهره می‌برند. در همین یک کلمه احسن حال، چه دریایی از معنی نهفته است! چه عظمتی خلائق در نگاه خالق دارند که بهترین حال نیز در نسبت آدمی با خلائق تعریف می‌شود. اما ظرافت این فراز یابانی در فعل امر «حَوِّل» است. با آوردن این فعل، تصدیق شده که رسیدن به احسن حال، دفعی و یکباره نیست! تدریجی و زمان‌بر است و صبوری می‌خواهد. اگر قرار بر امر دفعی بود، باید از فعل «کن» استفاده می‌شد؛ به سیاق این آیه قرآن که: **إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ** (آیه ۸۲ سوره یس) اما انسان عجول این صبوری را برنمی‌تابد. او که ملامت می‌شود که در سختی‌ها و دشواری‌ها به یاد خدا می‌افشد و به وقت دل‌خوشی او را از یاد می‌برد، باور ندارد که آنچه را شر می‌پندارد و نسبت به آن کراهت دارد، شاید خیر او باشد و آنچه را خیر می‌داند، ای بسا اسباب شرّش باشد. اینکه آدمی همواره خود را در دامن الهی بداند و باور داشته باشد که همواره آنچه در تقدیرش است جلوه‌ای از حرکت او به سوی احسن حال است، ایمانی ستبر و ضمیروی امیدوار و جانی پاک می‌خواهد. باید آدمی گرفتار سختی و مصیبت شده باشد تا در کوره دهر و کشاکش آسیاب روزگار، دامن ماتم کفر و ایمان هروله کرده باشد تا دریابد که این‌ دویدن در پی سراپ، خود، دلیل آب است!

در این موسم سال نو، در این گاه نوبه‌نوشدن طبیعت، جالی خوش و جانی صافی و روحی نو برایتان آرزو می‌کنم.

«این یادداشت در کنار صریح شریف حضرت امیرالمؤمنین، علی‌بن‌ابی‌طالب – نجف اشرف نوشته شده است.

بعد از سختی آسانی می‌آید

در این مسیر سختی‌های زیادی را از سر گذرانیم تا یا به ۴۰سالگی انقلابی گذاشتیم که نیاز دارد همراهانش در هم‌زبستی خرمندانه و مؤمنانه با تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها به آینده‌های بهتر برای فرزندان‌شان فکر کنند. متأسفانه جهان معاصر، جهان صلح، دوستی و برابری نیست و حیل‌گران با ابزارهای مختلف در کمین تاراج ثروت ملل دنیا هستند. ضمن تبریک سال نو به همه عزیزانم، ان‌شاءالله با صبر و ایستادگی مردم و همت مسئولان، اولین سال نو در گام دوم انقلاب نویدبخش روزهای بهتر و خوشایندتری برای آحاد جامعه است؛ قطعا این قانون الهی است که در پس هر خزان وزمستان زندگی، بهار زیبا با طبیعت دل‌انگیزش چشم انتظار مسافران نوروزی خود است.

«مدیرکل کمیسون‌های ماده صد شهرداری تهران

ضرورت بازتعریف جایگاه نفت ایران

۳.ملی‌شدن صنعت نفت ایران به‌معنای جدایی از دنیا و نبود امکان همکاری با دنیا نمی‌توانست تفسیر شود. نفت ذاتا یک کالای بین‌المللی است و تمام روندها و ترتیبات سیاسی و اقتصادی آن از زمان تولید تجاری (یک قرن‌ونیم پیش) ماهیت بین‌المللی داشته است. توسعه ملی این صنعت بدون ارتباط و تعامل با دنیا امکان‌پذیر نبوده و نیست. این صنعت به هر میزان که در ابعاد اقتصادی، فنی و مدیریتی با استانداردها، روندها و معادلات اقتصادی و تجاری بین‌المللی حرکت کند، به همان میزان از توان رقابتی بالاتری برخوردار بوده و به‌همین‌ترتیب آسیب‌پذیری آن محدودتر است. تفکری که از همان ابتدای ملی‌شدن صنعت نفت به‌دنبال خودکفایی صنعت نفت بود، بیش از آنکه زمینه توسعه واقعی و قدرتمند این صنعت را فراهم کند، بیشتر موجبات آسیب‌پذیری و وابستگی آن را فراهم کرد. آسیب‌پذیری و وابستگی که پس از گذشت ۷ دهه همچنان در ابعاد مختلف ادامه دارد و ما آثار آن را در تحریم‌های بیش از برجام و فعلی می‌بینیم. در نتیجه چنین تفکری بود که ملی‌شدن صنعت نفت نظم پیشین این صنعت را از بین برد؛ بدون اینکه نظمی جدید و مبتنی بر منافع ملی واقعی و پایدار کشور ایجاد کند.

۴.ملی شدن صنعت نفت به‌نوعی نفت را از چاله درآورد و به چاه انداخت. از این منظر که این صنعت را از دست شرکت‌ها و دولت‌های خارجی درآورد و در اختیار کامل دولت قرار داد. چسبا رهایی نفت از سلطه خارجیان بسیار راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از رهایی از سلطه دولت اقتصاد دولتی بوده و هست. ملی‌شدن واقعی صنعت نفت زمانی است که این صنعت از دایره تنگ نگرش جناحی و اراده‌های سیاسی خارج شده و بر مدار منطق و قاعده اقتصادی حرکت کند. گذشت نزدیک به ۷۰ سال از رویداد بزرگ ملی‌شدن صنعت نفت، فرصت مناسبی است که جایگاه و کارکرد این صنعت در اقتصاد کشور بازتعریف شود؛ شاید رویه نادرست گذشته اصلاح شده مردمان این نسل و نسل‌های آینده بیشتر از آن بهره‌مند شوند.

اقتصاد

گزارش میدانی «شرق» از بازار اسکناس‌های نانخورده در خیابان فردوسی

دست گرمی شب عید با اسکناس‌های خشک



همه اسکناس‌ها از بانک‌ها بیرون می‌آید
ابتدای خیابان فردوسی مردی نشسته و چمدان کوچکی کنارش گذاشته است. درون چمدانش همه‌چور اسکناسی پیدا می‌شود؛ از پول شاهی گرفته تا اسکناس آتاتورک. از او می‌پرسم اسکناس نو دارید؟ می‌گوید تو بگو! اول چندتا می‌خواهی. می‌گویم بسته ۱۰هزاری می‌خواهم، بانک رفتم، ۱۰هزار تومانی نمی‌دادند. با خنده می‌گوید «دارند، به شما نمی‌دهند». یک بسته اسکناس صدتایی ۱۰هزار تومانی خشک و تانخورده را یک‌میلیون و صد می‌دهد. یعنی صد هزار تومان می‌گیرد و به جای اسکناس‌های کهنه یا واریز پول به حسابش، اسکناس‌های نو می‌دهد که به قول خودش با صدای خشکی آنها می‌شود رقصید. کارمزد تحویل اسکناس نو دوهزار تومانی و پنج‌هزار تومانی و پنج‌هزار تومانی را شروع کرد. به مدت کمتر از یک هفته تعدادی از شعبات بانک‌های منتخب، به هر نفر مقاضی یک بسته دوهزار تومانی و یک بسته پنج‌هزار تومانی ارائه می‌کند. طبیعتاً بانک هیچ پول اضافی‌ای بابت «خشک‌بودن» اسکناس دریافت نمی‌کند و اسکناس کهنه را با اسکناس نو تعویض می‌کند؛ اما نوکردن اسکناس‌ها شب عید به همین کار ختم نمی‌شود و بیرون از بانک‌ها بازاری داغ ساخته است.

«شرق» از مزارع یکی از قطب‌های مهم تولید ماهی زینتی کشور گزارش می‌دهد

تولید ماهی قرمز برای سفره هفت‌سین همسایه



اکواریومی که در گروه ماهیان گرمابی قرار می‌گیرند، کمی پیچیده‌تر است زیرا باید آنها را داخل جعبه‌های بی‌نوبیتی که تبادل حرارت را به حداقل می‌رساند، قرار داد و اگر ماهی به منطقه سردسیر منتقل می‌شود، برای جلوگیری از افت دمای محموله، باید یک نایلون کوچک آب گرم هم داخل بسته محضوی ماهیان گرمابی قرار داد که از سرما بچ نزنند. او می‌گوید: ماهی قرمز تولیدشده در راوند علاوه بر اینکه در ایام نوروز به سراسر کشور ارسال می‌شود، به کشور افغانستان نیز صادر می‌شود. مردم افغانستان هم مانند ایرانیان، ماهی قرمز در سفره هفت‌سین خود دارند. در تابستان هم ماهی‌های زینتی تولیدشده در این منطقه، به عراق و ترکیه صادر می‌شود و مانند بسیاری از محصولات تولیدشده در ایران، ماهی قرمز ایرانی از ترکیه به دیگر کشورهای عربی و امارات فرستاده می‌شود.

شغل آب‌آبادجادی
تولیدکنندگان ماهی قرمز راوندی همگی از پدران خود تکنولوژی تکثیر ماهی را آموخته‌اند. محمد قیصری یکی از این تولیدکنندگان است. او یکی از استخرهای را نشان می‌دهد و می‌گوید: ما به این ماهی «گلدفیش دودم» می‌گوییم. این ماهی دو باله انتهایی دارد و به همین دلیل به گلدفیش دودم شهرت یافته است. به اعتقاد قیصری، گلدفیش دودم، اجداد همه ماهی‌های قرمزی است که با اصلاح نژاد تبدیل به گونه‌های امروزی شده‌اند. در حال حاضر حداقل پنج گونه از این گلدفیش‌های اصلاح‌نژادشده در اختیار تولیدکنندگان ماهی زینتی قرار گرفته است.

او به «شرق» می‌گوید: در راوند انواع گلدفیش شامل «گلدفیش چهاردم»، «بلک‌مور»، «ردکی» (دارای دو رنگ سفید و قرمز) و «کالیکو» (که دارای رنگ‌های مختلط قرمز و آبی کم‌رنگ است) تولید می‌شود.

قیصری بیان می‌کند: سابقه تولید ماهی قرمز در راوند بسیار طولانی است و شاید بیش از ۱۵۰

می‌گوید: «هرچی پول دست ما می‌رسد، از بانک می‌آید. ما که خودمان دستگاه چاپ پول نداریم. این روزها هم بازار ما کساد باشه و بیشتر به جای اینکه سراغ ما بیایند، به بانک بروند، در طول سال که دیگه بانک اسکناسی توزیع نمی‌کند. مردم ما هم که مجلس و عروسی دارند، اون موقع اسکناس خشکشان را از ما می‌گیرند؛ اما منبع ما همین روزهای قبل از عید باید پر شود. پس الان هم نفروشیم، به دردمون می‌خوره که هرچی می‌تونیم جمع کنیم».

شما هم می‌توانید بخريد و گران بفروشيد

اسکناس فروشان می‌گویند در این روزها برخی مردم با دریافت اسکناس نو آن را به بازار آورده و می‌فروشند که در کنار سودی که آنها از این فروش می‌برند، عرضه در بازار بیشتر شده و همین موجب شکسته‌شدن قیمت‌ها شده است. یکی از آنها می‌گوید: «همین الان شما یک بسته صدتایی ۱۰هزار تومانی به من بده، من تا صد تومان اضافه‌تر هم از شما می‌خرم».

آل‌طور که او می‌گوید: «روزهای قبل یک بسته اسکناس ۱۰هزار تومانی ننو را یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌فروختیم؛ ولی الان چون بانک هم دارد توزیع می‌کند، عرضه زیاد است و قیمت‌ها شکسته شده است. «دیگر کمتر کسی به سراغ اسکناس‌های تانخورده قدیمی‌تر مثل صدتومانی، ۵۰ تومانی، ۲۰ تومانی و ۱۰ تومانی می‌آید و اگر هم مشتری برای آن وجود داشته باشد، به طور قطع فقط به خاطر زنده‌نگه‌داشتن یاد و خاطره قدیمی است. قیمت برخی از اسکناس‌های نو در مقایسه با سال گذشته گران‌تر شده است. البته مردم این افزایش قیمت را با توجه به شرایط افزایش قیمتی که روی سایر کالاها به چشم می‌خورند، می‌پذیرند».

البته به گفته یکی از کارمندان یکی از شعبه‌های بانک، بارگذاری اسکناس‌های نو در دستگاه‌های خودپرداز، هنوز به اوج خود نرسیده؛ چراکه بانک مرکزی پول نو را به اندازه روزهای پایانی سال در اختیار بانک‌ها قرار نداده؛ بنابراین بانک‌ها با موجودی به مراتب کمتری از روزهای پایانی سال به توزیع اسکناس‌های نو در دستگاه‌های خودپرداز شعب خود اقدام می‌کنند که مطابق با هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده قرار است در روزهای پایانی سال، توزیع اسکناس‌های نو در خودپردازها و شعب بانکی افزایش یابد.

در بازار پنج هزار تومان قیمت می‌خورد. تولیدکننده هر قطعه گلدفیش تلسکوپی را حدود ۶۰۰ تومان می‌فروشد اما در بازار این ماهی به قیمت سه هزار تومان عرضه می‌شود. کالیکو بین هزار تا سه‌هزارو ۵۰۰ تومان در مزرعه قیمت دارد اما در بازار ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تومان فروخته می‌شود و گلدفیش چهاردم ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومانی تولیدکننده چهار هزار تومان در بازار به مصرف‌کننده فروخته می‌شود.

این تنها زیان تولیدکننده ماهی قرمز نیست. فتاحی که به نوعی یک هلدینگ پرورش ماهی قرمز دارد و علاوه بر مزرعه کوچکی که متعلق به خودش است، با دیگران هم به صورت مشارکتی یا اجاره مزرعه، ماهی تولید می‌کند، درباره بدشانسیی یک تولیدکننده ماهی زینتی می‌گوید: گاهی ماهی‌ها به این‌دک رشد نمی‌کنند و اندازه آنها درشت و ریز می‌شود. در چنین مواقعی ماهی‌های درشت‌تر، ریزترها را می‌خورند. در این صورت زیان هنگفتی متوجه تولیدکننده می‌شود.

بی‌مهري به توليد ماهی قرمز

آل‌طور که محمدحسن الهی کارشناس مسئول ماهیان زینتی سازمان شیلات ایران به «شرق» اعلام می‌کند: بر اساس آمارهای سال ۹۶، حدود ۹۰ میلیون قطعه ماهی قرمز در کشور تولید شده است. البته آمار دقیق آن در دسترس نیست. او ادامه می‌دهد: بیشترین میزان ماهی زینتی در استخرهای پرورش ماهی گرمابی گیلان تولید می‌شود. دومین مرکز تولید این ماهی زینت کاشان است. با وجود حجم بالای تولید ماهی قرمز، فتاحی می‌گوید که از نگاه مسئولان این حرفه، شغل محسوب نمی‌شود و تولیدکنندگان ماهی قرمز باید بیمه خود را آزاد پرداخت کنند. این در حالی است که مزارع پرورش ماهی باید برای احداث جواز دریافت کنند و همه مراحل قانونی برای فعالیت در این شغل طی می‌شود.

احمد شمس‌زاده یکی دیگر از تولیدکنندگان ماهی قرمز راوند، تولید این ماهی زینتی را مایه ارزآوری برای کشور معرفی کرده و به «شرق» می‌گوید: ۱۶ برابر درآمدم نفتی ما کشورهایی مانند مالزی و سنگاپور ازطریق پرورش ماهی زینتی درآمد دارند اما بخش تحقیقات برای اصلاح نژاد ماهی زینتی به ما کمک نمی‌کند. در صورتی که ما با صادراتی که داریم، علاوه بر اینکه ارزآور شدیم، با تولید برخی نژادهای گلدفیش، کشور را از واردات این ماهی زینتی بی‌نیاز کرده‌ایم.

مهم‌ترین دغدغه قیصری هم این است که شمالی‌ها تکنولوژی تولید ماهی قرمز را از مردم راوند گرفته‌اند اما از آنجا که در شمال آب ارزان است، با تولید و تزریق بیش از حد ماهی قرمز به بازار، کسب‌وکار منطقه راوند را خراب کرده‌اند. به گفته قیصری، تولیدکنندگان راوندی باید سالانه چهارمیلیون و ۸۱۰ هزار تومان اجاره آب به آب منطقه‌ای بدهند که حالا که شمالی‌ها فقط یک میلیون تومان اجاره می‌پردازند.

یادداشت

شعار پیشنهادی برای سال ۹۸

محمد شهاب، پژوهشگر اقتصادی

● بر اساس آمار بانک جهانی کسر حاصل از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید ایران بر تولید ناخالص دلاری ایران که از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۷ مورد محاسبه قرار گرفته است، روند نزولی داشته است. طبق آمار بانک مرکزی نرخ رسمی ارز در همین مدت (۱۹۹۳ تا ۲۰۱۷) نزدیک به هزار ۳۰۰ درصد افزایش داشته است.کسر حاصل از تقسیم تولید ناخالص بر اساس برابری قدرت خرید بر تولید ناخالص دلاری ایران در سال‌های مذکور در شرایطی که نرخ ارز رسمی تغییرات مثبت هزارو ۳۰۰ درصدی را همراه داشته است، باید بازار آورده و می‌فروشند داشته باشد؛ باین‌حال این کسر در یک سیر نزولی نزدیک به ۵۰ درصد کاهش داشته است. این امر گویای آن است که حداقل سود واردکنندگان صاحب ارز از محل شکاف سطح قیمت داخلی به سطح قیمت خارجی بیش از ۲۷ برابر (۱۳۵۰ درصد) است و واردکنندگان صاحب ارز قیمت‌گذاری کالا‌های وارداتی خود را آنگاه که بخواهند، بر مبنای افزایش سهم خود در بازار و آنگاه که بخواهند بر مبنای هزینه‌های تولید داخلی قیمت‌گذاری می‌کنند). می‌توان گفت کالا‌های ایرانی با آنکه در داخل رای ایرانیان بسیار از سطح جهانی گران‌تر است ولی به موهبت افزایش نرخ ارز کالا‌های ایرانی برای خارجیان ارزان‌تر شده است. نرخ ارز غیررسمی که می‌توان آن را مبنای سنجش کالا‌های ایرانی برای خارجیان دانست، در این دوره موردنظر حداقل دوهزارو ۳۰۰ درصد افزایش داشته است. به بیان دیگر کسر دوهزارو ۳۰۰ درصد از هزارو ۳۵۰ درصد که برابر هزارو ۵۰ است، گویای آن است که کالا‌های ایرانی به موهبت افزایش نرخ ارز، ارزشی ۱۱ برابر پایین‌تر از کالا‌ای خارجی از منظر خارجیان در ایران داشته‌اند. حال مسئله آن است که چرا هنوز سخن از افزایش نرخ ارز می‌شود؟

وقتی درون ساختار سیاست‌گذاری به نفع واردکنندگان صاحب ارز باشیم، نسخه‌های افزایش هزینه‌های تولید در دستور کار قرار می‌گیرد. از یکی از آن نسخه‌هاست که افزایش آن هرچند کالا‌های داخلی را برای خارجیان ارزان می‌کند ولی کالا‌های داخلی برای ایرانیان را گران کرده و ممکن است گرانی‌های مکرر به بهانه‌های قاچاق و صادرات کالا‌ها نیز ایجاد کند. یکی دیگر از ابزارهای سیاست‌گذاری برای افزایش هزینه‌های تولید، مالیات و دیگر ابزار نرخ بهره است. از اقدامات دیگر برای حفظ ساختار هزینه‌زایی تولید در ایران عدم حمایت‌های بلاعوض برای تبدیل ایده‌های نوآورانه مبتنی بر علوم نظری موجود به تکنولوژی است که سبب‌ساز جلوگیری از ایجاد بستری برای کاهش هزینه‌های تولید می‌شود. با منطق شکاف تورم یعنی تغییرات سطح قیمت، این گزینه روی میز سیاست‌گذاران کلان اقتصادی گذارده می‌شود، درحالی‌که منطق این سیاست (ارزان‌بودن کالا‌های ایرانی از منظر خارجیان) وجود دارد و داشته است.

با هر افزایش نرخ ارزی شوکی به تولید داده می‌شود و از سویی واردکنندگان خریدار ارز برای واردات کاهش می‌یابد. می‌توان گفت از پیامدهای افزایش نرخ ارز علاوه بر آنکه افزایش هزینه‌های تولید و افزایش قیمت‌گذاری واردات و... باشد. افزایش سهم بازار واردکنندگان صاحب ارز نیز هست. بازار واردکنندگان صاحب ارز در شرایطی با کناررفتن بخشی از تولیدکنندگان و واردکنندگان خریدار ارز برای واردات افزایش می‌یابد که قدرت قیمت‌گذاری واردکنندگان صاحب ارز نیز افزایش می‌یابد. اثر مستقیم افزایش نرخ ارز، ارزان‌شدن کالا‌های ایرانی برای خارجیان است. اثر غیرمستقیم افزایش نرخ ارز، افزایش هزینه‌های تولید به‌صورت بیرون‌زا به میزان وابستگی تولید به ارز است. اثر غیرمستقیم جلوتر از اثر مستقیم اتفاق می‌افتد. اثر مستقیم به نفع تولیدکنندگان و اثر غیرمستقیم به ضرر تولیدکنندگان است. برای تولیدکنندگان، آنها که از پشتوانه قدرت مالی چه ربایی و چه ارزی برخوردارند، از آنجاکه اثر غیرمستقیم کم‌قدرت است، از افزایش نرخ ارز کمتر نگران خواهند بود؛ باین‌حال برای تولیدکنندگان کوچک و وام‌نگذگان از بانک‌ها افزایش نرخ نرخ ارز نتنها اثر فواید اثر مستقیم را به بار نمی‌آورد بلکه عامل کاهش ظرفیت‌های تولید، کاهش سرمایه‌گذاری برای کیفیت، از دست‌رفتن نقدینگی برای سرمایه‌ر در گردش و ابعاد و نتیجه‌های آن می‌شود.

مالیات: در شرایطی سهم مالیات از تولید ایران در جایگاه تقریبا مساوی با کشورهای صنعتی قابل است که درآمد سرانه ایران از نظر کم‌بودن آن، فانی مقایسه با دیگر کشورهای صنعتی نیست. این به آن معناست که توجه به سیاست‌های مالیاتی، بدون درنظرگرفتن اولویت به سیاست‌گذاری‌های کلان مبتنی بر تقویت تولید و دیگر سیاست‌گذاری‌ها، تورم ناشی از افزایش هزینه‌های تولید و کاهش بیشتر درآمد سرانه ایرانیان را رقم خواهد زد. در صورتی‌که در امر کاهش‌گیری، معلول‌بودن مالیات از تولید لحاظ نشده و اولویت به اصلاح سیاست‌گذاری‌های کلان مبتنی بر حمایت از تولید قرار نگیرد، فشار اقتصادی ناشی از فشار هزینه‌ها یکی از نتایج مالیات خواهد بود.اگر تولید ناخالص داخلی ایران را در سال ۹۸ بتوان بر اساس آمار بانک مرکزی رقمی نزدیک به هزارو ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفت، با توجه به درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه ۹۸ که رقمی نزدیک به ۱۵۳ هزار میلیارد تومان است، می‌توان گفت: حجم مالیات نزدیک به ۱۰٫۷ درصد از تولید خالص داخلی ایران رسیده است.

ادامه در صفحه ۵